

۵۰۰

۱
۱۴۴

اسراف

تبریز در وحشت

نادی، نویافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر



Tabriz in Horror

Newly Found Documents of Tabriz's Resistance During
Minor Despotism

Gholamali Pashazadeh, Nosratollah Najafi

© 2018 Logos Publications



تبریز در وحشت

اسناد نو یافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر

غلامعلی باشراده
دانشیار دانشگاه تبریز

نصرت الله نجفی
پژوهشگر آزاد



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
پاشازاده، غلامعلی، ۱۳۵۳ -
تبریز در وحشت: اسنادی نویافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر/ غلامعلی
پاشازاده، نصرت‌الله نجفی؛ ویراستار مقدم مهدوی.
قم: لوگوس، ۱۳۹۷
۱۳۴ ص.: مصور؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
۷-۸-۹۹۳۳۷-۶۲۲-۹۷۸
فایپا
وضعیت فهرست‌نویسی
عنوان دیگر
اسنادی نویافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر
ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. -- تبریز -- اسناد و مدارک
Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906 - 1909 -- Tabriz -- Sources
تبریز -- تاریخ -- اسناد و مدارک
Tabriz (Iran) -- History -- Sources
نجفی، نصرت‌الله، ۱۳۳۳ -
DSR ۱۴۳۱/۲ پ ۱۳۹۷
۱۵۵/۱
۵۲۱۳۲۰۱
موضوع
موضوع
موضوع
شناسنامه داده
رده‌بندی کتاب
رده‌بندی دیویی
شماره کتاب‌شناسی ملی

لوگوس

تبریز در وحشت

اسنادی نویافته از مقاومت تبریز در استبداد صغیر

غلامعلی پاشازاده، نصرت‌الله نجفی

ویراستار مقدم مهدوی
طراح جلد حسین راست‌منش
نوبت چاپ ۱۳۹۷ اول
شمارگان ۵۰۰
قیمت ۲۲۰۰۰ تومان
شابک ۷-۸-۹۹۳۳۷-۶۲۲-۹۷۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

فهرست

۱.....	مقدمه.
۹.....	متن های اسناد.....
۹.....	۱. تلگراف محمدعلی شاه به علما.....
۱۱.....	۲. تلگراف دلی از فرمانفرما، عین الدوله و طباطبایی.....
۱۳.....	۳. تلگراف ابوالفتح طباطبایی به ثقة الاسلام.....
۱۴.....	۴. سروریت حضور حشمت الدوله در تلگراف خانه و تشکر ابوالفتح طباطبایی از ثقة الاسلام.....
۱۵.....	۵. تلگراف عبدالعلی طباطبایی در مورد ضرورت تأسیس دارالشورا.....
۱۶.....	۶. ندراف ث الاسلام به حشمت الدوله.....
۱۷.....	۷. تلگراف ابوالفتح طباطبایی به ثقة الاسلام در مورد سلامتی میرزا ابراهیم خان.....
۱۸.....	۸. تلگراف طباطبایی به ندراف خانه نشین ها.....
۱۹.....	۹. توصیه ثقة الاسلام به محمدعلی شاه در مورد اصلاحات.....
۲۱.....	۱۰. جواب ابوالفتح به ثقة الاسلام در مورد تنبیه محمدولی میرزا.....
۲۲.....	۱۱. تلگراف محمدعلی شاه به سردارانش.....
۲۳.....	۱۲. تلگراف ابراز ارادت عبدالعلی طباطبایی به امام جمعه خیی.....
۲۴.....	۱۳. تشکر حاجی سیدالمحققین از کامران میرزا نایب السلطنه.....
۲۵.....	۱۴. گزارش اوضاع تبریز به حضرات آیات آخوندی و مازندرانی.....
۲۶.....	۱۵. تشکر ثقة الاسلام از خدمات فرمانفرما.....
۲۷.....	۱۶. تأکید عبدالعلی طباطبایی به ثقة الاسلام برای معاودت از باسمنج.....
۲۸.....	۱۷. دعوت انجمن ایالتی از ثقة الاسلام برای معاودت به تبریز.....
۲۹.....	۱۸. قدرانی میرزا یحیی از تلاش های حاجی سیدالمحققین.....
۳۰.....	۱۹. تلگراف فرمانفرما در جواب ثقة الاسلام.....
۳۱.....	۲۰. تلگراف طباطبایی به اجلال الملک و گزارش اوضاع باسمنج.....
۳۲.....	۲۱. درخواست ثقة الاسلام از فرمانفرما برای ترک باسمنج.....
۳۳.....	۲۲. تشکر طباطبایی از حسن نظر ثقة الاسلام و سیدالمحققین و سید حاجی آقا.....
۳۴.....	۲۳. تلگراف کامران میرزا نایب السلطنه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین جهت حضور در تلگراف خانه و جواب تشکر طباطبایی.....
۳۵.....	۲۴. تلگراف ثقة الاسلام مبنی بر عذرخواهی از فرمانفرما برای عدم حضور در مجلس مذاکره.....
۳۶.....	۲۵. جواب میرزا صادق طباطبایی در مورد علت عدم مذاکره با ثقة الاسلام.....
۳۷.....	۲۶. اظهارات فرمانفرما به ثقة الاسلام در مورد عدم دخالت در امور.....
۳۸.....	۲۷. دستخط محمدعلی شاه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین در مورد اعطای مشروطه.....
۳۹.....	۲۸. اظهارات طباطبایی به اجلال الملک در مورد اعطای مشروطیت.....

۲۹. گزارشی از نطق عین الدوله ۴۰
۳۰. تلگراف طباطبائی به اجلال الملک ۴۲
۳۱. تلگراف عبدالعلی طباطبائی به اجلال الملک و اعضاء انجمن ایالتی آذربایجان ۴۳
۳۲. تلگراف علی ابن موسی الطباطبائی به محمدعلی شاه قاجار ۴۴
۳۳. سرارت افراد ضد مشروطه در اطراف تبریز ۴۵
۳۴. تلگراف طباطبائی به حشمت الدوله ۴۶
۳۵. ابراز ارادت فرمانفرما نسبت به ثقة الاسلام ۴۷
۳۶. عذر نامه و ابراز ادب فرمانفرما نسبت به ثقة الاسلام ۴۸
۳۷. رض ارادت وردی به نام شاهرخ به ثقة الاسلام ۴۹
۳۸. تلگراف محمدعلی شاه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین ۵۰
۳۹. تلگراف عین الدوله به ثقة الاسلام ۵۱
۴۰. تلگراف عبدالعلی تلگراف چی به ثقة الاسلام ۵۲
۴۱. تلگراف متصدی تلگراف خانه تبریز به ثقة الاسلام ۵۳
۴۲. گزارش ثقة الاسلام از اوضاع نایب سامان شهر بعد از فرمان اعاده مشروطیت ۵۴
۴۳. قدردانی ابراهیم موسوی اقدامات ثقة الاسلام در مورد اعاده مشروطیت ۵۵
۴۴. دست خط محمد علی شاه در جواب تلگراف ثقة الاسلام سیدالمحققین ۵۶
۴۵. تلگراف به ثقة الاسلام در مورد اوضاع مشروطیت ۵۷
۴۶. سوال های متحصنین از موضع انجمن ایالتی در مورد اعاده مشروطیت ۵۸
۴۷. اظهارات حاضرین تلگراف خانه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین ۵۹
۴۸. ابراز ارادت وزیر داخله نسبت به ثقة الاسلام ۶۰
۴۹. سندی در مورد حضور عده ای از رجال دولتی ۶۱

عکس های اسناد..... ۶۳

۱. تلگراف محمد علی شاه به علما ۶۳
۲. تلگراف هایی از فرمانفرما، عین الدوله و طباطبائی ۶۶
۳. تلگراف ابوالفتح طباطبائی به ثقة الاسلام ۶۷
۴. ضرورت حضور حشمت الدوله در تلگراف خانه و تشکر ابوالفتح طباطبائی از ثقة الاسلام ۶۸
۵. تلگراف عبدالعلی طباطبائی در مورد ضرورت تأسیس دارالشورا ۶۹
۶. تلگراف ثقة الاسلام به حشمت الدوله ۷۰
۷. تلگراف ابوالفتح طباطبائی به ثقة الاسلام در مورد سلامتی میرزا ابراهیمخان ۷۱
۸. تلگراف طباطبائی به تلگراف خانه نشین ها ۷۲
۹. توصیه ثقة الاسلام به محمدعلی شاه در مورد اصلاحات ۷۳
۱۰. جواب ابوالفتح به ثقة الاسلام در مورد تنبیه محمدولی میرزا ۷۵
۱۱. تلگراف محمد علی شاه به هواداران اش ۷۶

۱۲. تلگراف ابراز ارادت عبدالعلی طباطبایی به امام جمعه خویی..... ۷۷
۱۳. تشکر حاجی سیدالمحققین از کامران میرزا نایب السلطنه..... ۷۸
۱۴. گزارش اوضاع تبریز به حضرات آیات آخوند ملاکاظم خراسانی و مازندرانی..... ۷۹
۱۵. تشکر ثقة الاسلام از خدمات فرمانفرما..... ۸۰
۱۶. تأکید عبدالعلی طباطبایی به ثقة الاسلام برای معاودت از باسمنج..... ۸۱
۱۷. دعوت انجمن ایالتی از ثقة الاسلام برای معاودت به تبریز..... ۸۲
۱۸. قدیم میرزا یحیی از تلاش های حاجی سیدالمحققین..... ۸۳
۱۹. بخلاف فرمانفرما در جواب ثقة الاسلام..... ۸۴
۲۰. تلگراف طباطبایی به اجلاال ملک و گزارش اوضاع باسمنج..... ۸۵
۲۱. درخواست ثقة الاسلام از فرمانفرما برای ترک باسمنج..... ۸۶
۲۲. تشکر طباطبایی از حسن نظر ثقة الاسلام و سیدالمحققین و سید حاجی آقا..... ۸۷
۲۳. تلگراف کامران میرزا نایب السلطنه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین جهت حضور در تلگراف خانه و جواب تشکر طباطبایی..... ۸۸
۲۴. تلگراف طباطبایی مبنی بر عدم تراضی از فرمانفرما برای عدم حضور در مجلس مذاکره..... ۸۹
۲۵. جواب میرزا صادق طباطبایی در مورد علت عدم مذاکره با ثقة الاسلام..... ۹۰
۲۶. اظهارات فرمانفرما به ثقة الاسلام در مورد عدم دخالت در امور..... ۹۱
۲۷. دست خط محمد علی شاه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین در مورد اعطای مشروطه..... ۹۲
۲۸. اظهارات طباطبایی به اجلاال ملک در مورد مشروطیت..... ۹۳
۲۹. گزارشی از نطق عین الدوله..... ۹۴
۳۰. تلگراف طباطبایی به اجلاال ملک..... ۹۵
۳۱. تلگراف عبدالعلی طباطبایی به اجلاال ملک و اعضاء انجمن ایالتی آذربایجان..... ۹۶
۳۲. تلگراف علی ابن موسی الطباطبائی به محمدعلی شاه قاجار..... ۹۷
۳۳. شرارت افراد ضدانقلاب مشروطه در اطراف تبریز..... ۹۸
۳۴. تلگراف طباطبایی به حشمت الدوله..... ۹۹
۳۵. ابراز ارادت فرمانفرما نسبت به ثقة الاسلام..... ۱۰۰
۳۶. عذر خواهی و ابراز ارادت فرمانفرما نسبت به ثقة الاسلام..... ۱۰۱
۳۷. عرض ارادت فردی به نام شاهرخ به ثقة الاسلام..... ۱۰۲
۳۸. تلگراف محمدعلی شاه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین..... ۱۰۳
۳۹. تلگراف عین الدوله به ثقة الاسلام..... ۱۰۴
۴۰. تلگراف عباس تلگراف چی به ثقة الاسلام..... ۱۰۵
۴۱. تلگراف متصدی تلگراف خانه تبریز به ثقة الاسلام..... ۱۰۶
۴۲. گزارش ثقة الاسلام از اوضاع نابسامان شهر بعد از فرمان اعاده مشروطیت..... ۱۰۷
۴۳. قدردانی ابراهیم موسوی از اقدامات ثقة الاسلام در اعاده مشروطیت..... ۱۰۸

۴۴. دست خط محمدعلی شاه در جواب تلگراف ثقة الاسلام و سیدالمحققین ۱۱۹
۴۵. تلگراف به ثقة الاسلام در مورد اوضاع بعد از اعاده مشروطیت ۱۲۱
۴۶. سوال های متحصنین از موضع انجمن ایالتی در مورد اعاده مشروطیت ۱۲۲
۴۷. اظهارات حاضرین تلگراف خانه به ثقة الاسلام و سیدالمحققین ۱۲۳
۴۸. از ارادت وزیر داخله نسبت به ثقة الاسلام ۱۲۵
۴۹. سندی در مورد حضور عده ای از رجال دولتی ۱۲۶

مقدمه

ظفرالدین شاه قاجار در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ / ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت و در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ بیعتی در میان سال قانون اساسی مشروطیت را امضا کرد و ده روز بعد از امضای قانون اساسی در دنیا رفت و محمدعلی میرزا به عنوان شاه جدید بر تخت سلطنت نشست. او از همان ابتدا با عدم دعوت از نمایندگان ملت، نشان داد که اعتقادی به مشروطیت ندارد. کشاکش میان او و هواداران مشروطیت، به بمباران مجلس در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ انجامید. به دنبال آن مقاومتی در تبریز شکل گرفت که یازده ماه ادامه یافت و به دوران استبداد صغیر معروف شد. دوران یازده ماهه مقاومت تبریز را ادوارد براون به سه دوره تقسیم کرده است. دوره اول که دوره کوتاهی از مبارزات خیابانی بود مشروطه خواهان یک یا دو محله از سرک است. در این دوره در اختیار داشتند. در دوره دوم سلطنت طلبان از بیشتر قسمت های شهر بیرون رانده شدند و راه های ورود آذوقه، بخصوص راه جلفا از تعرض سلطنت طلبان مصون ماند. در دوره سوم، از رمضان ۱۳۲۶ تا ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۷ سلطنت طلبان شهر را محاصره کردند و قحطی و آسایش مردم بخصوص در ماه های آخرین دوره عرصه را بر مشروطه خواهان تنگ کرد و با ورود پست و سوس مقاومت خاتمه یافت.^۱

در دوره سوم جنگ، با توجه به مسدود شدن راه های ورود مواد غذایی به شهر بیم آن می رفت که مردم گرسنه به خانه های اروپائیان مقیم تبریز بریزند و آن ها را غارت نمایند. همین امر موجب شد ثقة الاسلام دست از انزوا و گوشه نشینی بردارد و سعی کند با مذاکره، محمدعلی شاه را به ختم غائله مجاب نماید.^۲ او برای این منظور با دستور محمدعلی شاه به همراه حاجی سیدالمحققین و حاجی سید آقا میلانی به باسمنج رفت و از طریق تلگراف

۱- ادوارد براون، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶

۲- همان، ص ۲۵۸؛ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ۸۷۲.

با شاه و وزرای او مکاتبه کرد.^۱ ثقة الاسلام خواهان آن بود که محمدعلی شاه از تصرف تبریز چشم‌پوشی نماید و ماجرا را با گردهمایی عقلای ملت در پایتخت و مذاکرات عمومی حل و فصل کند، ولی محمدعلی شاه درخواست او را در صورتی امکان‌پذیر می‌دید که به مقاومت تبریز خاتمه داده شود و به همین خاطر به ثقة الاسلام چنین نوشت:

عقیده شخص من و تمام عقلا [ی] مملکت بر این است که حالا چاره منحصر باین است که همه این ملت اتفاق نمایند و این کار بی‌نظمی را رفع نمایند و آسایش بشود. انوقت بهمین طور که نوشته‌اید از تمام ممالک باندازه جمعیتی که هست از مردان عاقل دینداری این مملکت به تفاوت دو نفر سه نفر بخواهیم به نشینند حرف بزنند ترار قانون سیاسی و رسمی که مطابق [شرع] محمدی صلوات اله علیه باشد و بزاج مملکت هم سازگار باشد برای مملکت و ادارات بگذارند و کارها را هم اداره نمایند. تنیفی هم باتفاق شورای ملی برای حکام بگذاریم. جمع خرج و مالیه هر مملکت هم سنجید شود. عدالتخانه‌های صحیح هم که قانونی باشد قرار بدهیم انوقت بمعنی راه هم ناظر ایرادها بگماریم انشاءالله تعالی و بحوله مشغول بشویم که به صل خداوند انوقت هم مردم آسوده میشوند هم دست اجانب کوتاه و هم آنکه مملکت مستقر باشد.

هم‌زمان با تلاش‌های ثقة الاسلام و کنسولگری‌های روس، انگلیس و عثمانی هم در صدد برآمدند تا به مقاومت تبریز خاتمه دهند. آن‌ها گمان می‌کردند فشار گرسنگی، مشروطه‌خواهان را به تسلیم ترغیب کرده است، ولی به سرعت انتظار آنان مشروطه‌خواهان شروطی برای آشتی داشتند که برای دربار قابل قبول نبود. آن‌ها خواهان اعاده مشروطیت توسط محمدعلی شاه، صدور فرمان عفو عمومی، بازگشت کامل قشیم دولتی از اطراف تبریز، حفظ تفنگ‌ها و ابزارهای جنگی توسط مشروطه‌خواهان و انتخاب والی برای شهر با رضایت مردم بودند.^۲

در نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۷، کنسول‌های روس و انگلیس و عثمانی از دولت استبداد یک‌صد و هفتاد و پنج خروار آرد در اختیار بستگانشان در تبریز قرار گیرد.^۳ شاه این درخواست را رد کرد و پیشنهاد کرد اتباع خارجی از شهر خارج شوند. به تدریج روس‌ها تأمین امنیت

۱- احمد کسروی، ۸۹۰

۲- رجوع شود به سند شماره ۴۴ از همین مجموعه

۳- احمد کسروی، ص ۸۸۸

۴- همانجا

اتباع خود را ابزاری برای دخالت در امور تبریز قرار دادند و کونسول انگلیس در نامه [ای] به انجمن تبریز اعلام کرد که چون دولت ایران از باز کردن راه آذوقه خودداری می‌کند، دولت-های روس و انگلیس می‌خواهند خودشان راه آذوقه را باز کنند.^۱

تدبیر ستارخان و اخذ گواهی از روسای سه شرکت اروپایی مبنی بر رضایت کامل از حکومت ستارخان هم در زورگویی روس‌ها مؤثر واقع نشد.^۲ و مشروطه‌خواهان ناچار برای نجات استازان می‌گذریم و شهر را به اعلیحضرت می‌سپاریم. هر رفتاری با ما می‌خواهند بکنند و اعلیحضرت بی‌دستور دهند راه خواروبار باز شود و جایی برای گذشتن سپاهیان روس به خاک ایران باز نماند.^۳ مشروطه‌خواهان از شاه تقاضا کردند افرادی از دولت را به تلگراف‌خانه تلگراف بفرستد تا با آزادی خواهان مذاکره نمایند. شاه، امام جمعه را همراه با نایب‌السلطنه کازان میرزا سعیدالدوله، حشمت‌الدوله و فرمانفرما به باغ شاه فرستاد تا با نمایندگان مشروطه‌خواهان در تلگراف‌خانه کونسولگری انگلیس همچون حاجی مهدی آقا، تقی زاده، میرزا اسماعیل میربری، معتزالتجار، معین‌الرعا، میرزا حسین واعظ، شیخ اسماعیل هشتروندی، شیخ محمد خیابانی، حاجی اسماعیل امیرخیزی، میرزا محمدتقی، اجلال‌الملک، حاجی میرزا علی‌نقی سبزواری، حاجی میر محمدعلی اسپهانی^۴ و دیگران مکاتبه نمایند.

بدین ترتیب چند کانون برای تبادل تلگراف ایجاد شد: باغ‌شاه، باسمنج، تلگراف‌خانه تبریز و تلگراف‌خانه کونسولگری انگلیس در تبریز. شکل‌گیری این کانون‌ها از امکانات خطوط تلگرافی موجود و ضرورت‌های جنگی نشئت گرفته بود. از زمان ناصرالدین‌شاه و به سال ۱۲۷۷ ق یک خط تلگرافی به دستور او تا تبریز کشیده شده بود.^۵ سپس، انگلیسی‌ها

۱- همان، ص ۸۹۰

۲- ادوارد براون، ص ۲۴۱

۳- همان، ۹۰۳

۴- احمد کسروی، ص ۹۰۳

۵- حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۷، جلد ۲، ص ۱۹۷؛ جهانگیر قائم مقامی، سابقه تلگراف در ایران، بررسی‌های تاریخی، سال هفتم،

شماره یکم، ص ۳.

قراردادهای متعددی با ایران برای ایجاد خطوط تلگرافی به نقاط متعدد مملکت منعقد کرده بودند و اندکی بعد روس‌ها نیز به آن‌ها پیوسته بودند.^۱ با این فعالیت‌ها و رقابت‌های قدرت‌ها، تشکیلات اداری تلگراف در ایران به دو قسمت خطوط داخلی (خطوط تلگراف دولتی ایران) و خارجی (بریتانیا و روسیه) تقسیم شده بود که بیش از نیم قرن با سازمان‌ها و تشکیلاتی مجزا، در کنار هم فعالیت می‌کردند.^۲ دولت ایران فقط بر خطوط داخلی کنترل و نظارت داشت^۳ و زمانی که مشکلی برای خطوط داخلی پیش می‌آمد، خطوط خارجی همچنان قابل استفاده بود.

در زمان دولت تبریز، گاه خطوط داخلی قطع می‌شد. گزارش‌هایی وجود دارند که نشانگر نقش دولت مرکزی و محمدعلی شاه در قطعی خطوط تلگراف هستند. خرابی عمدی خطوط تلگراف توسط رحیم خان چلبیانلو از آن جمله است. رحیم خان، زمانی که محمدعلی شاه بر تخت سلطنت نشست توسط او به تهران فراخوانده شد و لقب سردار نصرتی گرفت. گفته می‌شود شاه او را به تهران فراخوانده است تا با کمک او بساط مجلس را

۱ - جرج کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامحسین وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، جلد دوم، ص ۷۲۹-۷۲۴.

۲ - دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۰، جلد هشتم، مدخل تلگراف در ایران.

۳ - انتظار می‌رفت خطوط تلگراف قدرت دولتی مرکزی را به سراسر کشور گسترش دهد و استقلال قدرتمندان و متنفذان محلی را از بین ببرد یا کم کند. گزارش‌های لرد کرزن را برآورده شدن این اهداف دولت حکایت دارند و با مبالغه در این مورد می‌نویسد:

خبر کمترین حرکت سرکشی در اقصی نقطه کشور آن‌ها به وسیله تلگراف به پایتخت می‌رسد و هنوز فتنه و آشوب نضج نیافته قشون برای سرکوبی آن به حرکت در می‌آید و فقط غرش توپ‌ها شاید کافی است که نقشه سرکشان احتمالی را نقش بر آب کند. به علاوه، تلگراف با انجام عمل فرمانداران سخت کاسته است و در حالی که ایشان را پیوسته تحت مراقبت تهران قرار می‌دهد، امکان را هم پیش آورده است که در هر مورد غامض و دشواری از مرکز کسب تکلیف نمایند که در وضع سابق بنا بر شیوه ایرانی رسم و راه کارشکنی و آزار برای مأموران محلی فراهم بود؛ بنابراین، در زمره خدماتی که دولت انگلستان نثار شهریار کنونی کرده است همین وسیله تلگرافی است که امکان وصول مالیات مرتب سالانه را که مطلوب خاطر همایونی است مقدور نموده و در خاموش کردن فتنه‌های محلی و یا طغیان‌های مرزی بسیار موثر بوده و در سراسر خطه ایران جدید او را سروری هم‌تا ساخته است. (ر.ک: کرزن، جلد ۲، ص ۷۳۳)

رحیم خان چلیلو در بین راه، چند نفر را بخت نموده و چند نقطه سیم آنجاها را پاره کرده است. خط او، از سانس به آن طرف در معرض تاخت و تاز اکراد [است] و چند نقطه سیم آنجاها را پاره کرده‌اند. راه‌ها به کلی مسدود، اگرچه، از طرف اداره تلگراف اقدامات سریعه در اصلاح سیم به دست آمده است، ولی اگر از طرف دولت اقدامات عاجلی در تأمین مملکت نشود، رشته سیم تلگراف به کلی منقطع و استخبار از سرحدات متعسر خواهد بود.^۴

در هر حال، خطوط تلگراف به دلایل مختلف قطع می‌شد و سیم‌ها نیز به دلیل طول مقاومت بارها برای خطوط داخلی اتفاق افتاد که در اسنادی چند از مجرای سیم‌ها حاضر نیز انعکاس یافته است.^۵ همین امر موجب شد در کنار خطوط داخلی از خطوط کنسولری از استان

۱- محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی، جواد جان فدا، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴.

٢- همان، ص ٢٠٦

۳- خاطرات حسینقلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، حمید رام ییشه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، باب سوم، ص ۷۹۶

٤ - سال ٣٩، شماره ١٨، ٢٧ ربيع الاول ١٣٢٦، ص ٢.

۵- ر.ک: اسناد شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۸ از همین مجموعه

نیز استفاده شود و یک مرکز تلگرافی هم در باسمنج به عنوان محل استقرار سپاه دولتی دایر گردد.

زمانی که تلگراف تسلیم مقاومت تبریز به محمدعلی شاه رسید، شادمان به عین الدوله دستور داد راه آذوقه را به تبریز باز کند و درعین حال سعی کرد با مذاکره با سفارت روس از ورود آن‌ها به تبریز ممانعت کند. در متن تلگراف شاه چنین آمده بود:

از دیروز صبح تاکنون بلکه دو ثلث شب را مشغول رفع و جلوگیری قشون روس بخاک ایران بوده‌ایم و مطمئن باشید چگونه راضی میشوم معتبرین ممالک ما و عزیزترین وطن خواهان و رعایای ایران که اهل آذربایجان خصوص تبریز هستند بعد از این اظهارات و عرایض صادقانه باز از نو دچار رحمت و مشقت باشند. سعی کنید که تر دستخطهای صادره به شاهزاده عین الدوله برسد که او میتواند زودتر به روسیه ای اردو برساند و هرچه زودتر آذوقه به شهر برسد بلکه ترتیبی بدهند که شاهزاده عین الدوله هم از این مذاکرات مطلع بوده هر اقدامی می‌کنیم با شور و صلاح در یکدیگر باشد ما هم جدا با سفارت مشغول مذاکرات هستیم و انشاءالله زودتر تسد طریق تشویش واضطراب^۱ موفق خواهیم بود.

علی‌رغم دستور شاه راه آذوقه باز نشد. روس‌ها در ۹ ربیع‌الثانی به تبریز وارد شدند.^۲ با گسترش مقاومت از تبریز به اصفهان و بیرمن و تکاپوها برای فتح تهران، عاقبت محمدعلی شاه در شب چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ کهصادف با سه‌روز تولد او بود^۳ فرمان اعاده مشروطیت را صادر کرد. در تلگرافی از باغ شاه به باسمنج مقرر شده بود که دستخط شاه «مشعر به اعطای مشروطه و عفو عمومی» به تبریز برده شود و به تمام اهالی ابلاغ و اعلان و ارائه گردد که «به مراحم و الطاف خسروانه مطلع گردیده بر مراتب انصاری و شاه‌پرستی خود که عقیده فطری و غیرتمندی آنهاست افزوده از هر جهت مطمئن آسوده باشند».^۴ مجموعه پیش‌رو، چهل‌ونه مورد از تلگراف‌هایی است که در جریان مقاومت تبریز با محوریت کانون‌های تلگرافی یعنی، باغ شاه، باسمنج، تلگراف‌خانه تبریز و سولگری انگلیس در تبریز صادر شده است و دارای اطلاعات ارزشمندی هستند که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱- سند شماره ۱۱

۲- سند شماره ۱۶

۳- احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۹

۴- سند شماره ۲۷

۱- محتوای تلگراف‌ها از تلاش‌های مشروطه‌خواهان تبریز همچون ثقة الاسلام، سیدالمحققین، علی ابن موسی طباطبایی، اجلال الملک و دیگران در جریان مقاومت تبریز اطلاعات ذی قیمتی ارائه می‌دهند که در منابع تاریخی به آن‌ها پرداخته نشده و گاه حتی نامی از آن‌ها در منابع شناخته شده تاریخی نیامده است.

۲- تلگراف‌ها از حال و هوای اردوی عین الدوله در باسمنج و انجمن ایالتی و مشروطه-خواهان، تبریز تصویر روشنی ارائه می‌کنند و از بیم‌ها و اضطراب‌ها و افکار و اندیشه آن‌ها در رهای دشوار جنگ حکایت می‌کنند و از تصورات آن‌ها در مورد بیگانگان و تسلط احتمال روس‌ها بر تبریز به خوبی بر می‌دارند.

۳- در تلگراف‌ها اخبار دقیقی از اقدامات مشروطه‌خواهان و مستبدین در اطراف آذربایجان انعکاس یافته و ارتباطات و چپاول‌ها و اقدامات پیشگیرانه صورت گرفته سخن به میان آمده است و بسیار روشن‌تر است.

۴- اقدامات انجمن ایالتی و روس‌های دشوار مخاصمه در تلگراف‌ها بازتاب یافته و از تلاش‌ها و تدابیر انجمن در مدیریت شهر و جنگ و بازمانعت از ورود روس‌ها نکته‌هایی مهم آورده شده است.

۵- اطلاعات ارزشمندی از ارتباطات و تلاش‌ها و خواهانی مانند ثقة الاسلام، سیدالمحققین، طباطبایی و... با رجال دولتی همچون فرمانفرما و دیگران وجود دارد که نشانگر تبادل افکار در میان این افراد برای ارائه راهکاری مناسب برای ختم غائله است.

۶- تلاش‌های شاه و مستبدین برای نشان دادن عدم انطباق مشروطیت با آموزه‌های شرعی و استناد شاه به مبانی نظری مشروطه مشروعه هم در تلگراف‌ها بازتاب یافته است.

۷- از نکات ارزشمند تلگراف‌ها بازتاب تلاش‌های مردانی از اقشار مختلف همچون عباس تلگرافچی است که تلاش کرده‌اند به سهم خود نقشی در پیشبرد مشروطیت ایفا نمایند.

۸- تلگراف‌ها از نظر مطالعات اسناد مربوط به دوره قاجاریه و نحوه انجام امورات مربوط به تلگراف‌ها نیز حائز اهمیت‌اند.

در مورد دوره زمانی مربوط به تلگراف‌ها هم باید گفت که به استثنای یک تلگراف محمدعلی شاه به علمای تبریز که چند روز قبل از بمباران مجلس و در توجیه اقداماتش در مقابله با مشروطه‌خواهی صورت گرفته است و یک تلگراف مربوط به سال ۱۳۲۸ ق، بقیه

تلگراف‌ها در ماه‌های ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ صادر شده‌اند. برخی از تلگراف‌ها چند صفحه هستند و متأسفانه صفحه دوم از سند شماره یک مجموعه مفقود شده است. اسناد مربوط به این تلگراف‌ها به‌طور اتفاقی در میان اسناد میرزا یوسف خان مستشارالدوله پیدا شد که در اختیار آقای نصرت اله نجفی هستند و قرار است به شکل جداگانه چاپ شوند. اسناد بازخوانی و به ترتیب تاریخ صدور مرتب شده‌اند و علاوه بر متن بازخوانی شده عکس آن‌ها نیز در آخر کتاب چاپ شده‌اند. در متن‌های بازخوانی شده از اسناد منورست و تاریخ آن‌ها در ابتدای اسناد توسط ما اضافه شده است و توضیحات در مورد اسامی و اصطلاحات درون سند به شکل زیرنویس آورده شده‌اند و کلمات اضافه‌شده به متن در دایره قرار گرفته‌اند. تلگراف‌ها در روی سربرگ‌های مربوط به تلگراف‌خانه نوشته شده‌اند. بسیاری از سربرگ‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند مربوط به سال قبل از واقعه هستند؛ به این ترتیب که در روی سربرگ‌ها سال ۱۳۲۵ یا ۱۳۲۶ قمری چاپ شده ولی تلگراف‌های مربوط به سال ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ در آن‌ها درج شده است. در برخی موارد تلگرافی چند عدد سال‌ها را تصحیح کرده است ولی برخی از آن‌ها تصحیح نشده‌اند و ما از روی متن آن‌ها، تاریخشان را تصحیح کردیم.

در نهایت از دوست ارجمندمان آقای دکتر حضرتی که در چاپ اثر ما را یاری کردند و نیز از مدیر فاضل نشر لوگوس آقای دکتر سلطانی که به چاپ اثر همت گماشتند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.

علاءالدین پاشا زاده - نصرت‌الله نجفی

بهار ۱۳۹۷